

تحلیل سیاسی هفته (۹۱)**سفر رئیس‌جمهور به ترکیه؛ ابعاد و پیامدها****مقدمه**

رئیس‌جمهور کشورمان در صدر هیئتی عالی‌رتبه و به دعوت رسمی رئیس‌جمهور ترکیه، به این کشور سفر کرده است. بعد از سال ۱۹۹۶ که آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور وقت کشورمان، به دعوت سلیمان دمیرل همتای ترک خود به این کشور سفر کرده بود، این اولین بار است که یک رئیس‌جمهور از ایران در قالب سفر رسمی دو جانبه به ترکیه سفر می‌کند. دیدار آقای روحانی در پی سفر یکروزه اردوغان در ژانویه ۲۰۱۴ به تهران صورت می‌گیرد. در جریان این سفر یکروزه سه سند همکاری بین مقامات ایرانی و ترک امضا شد و اردوغان بار دیگر به صورت رسمی از رئیس‌جمهور کشورمان برای سفر به ترکیه دعوت به عمل آورد. گفتنی است که اعضای هیئت همراه رئیس‌جمهور را در سفر به ترکیه عمدتاً اعضای اقتصادی کابینه تشکیل می‌دهند.

۱. اهمیت سفر رئیس‌جمهور**۱-۱. ابعاد مهم سفر در حوزه مسائل دوجانبه**

رئیس‌جمهور کشورمان را در سفر به ترکیه، هیئتی متشکل از اعضای کابینه که اغلب اقتصادی هستند و همچنین یک هیئت بلندپایه از مقامات و تجار ایرانی همراهی می‌کنند. از قبل پیش‌بینی می‌شد که در جریان سفر رئیس‌جمهور به ترکیه حداقل ۶ سند همکاری بین دو کشور امضا شود. بسیاری از تحلیلگران این سفر را در راستای ارتقای سطح همکاری‌های دو کشور به سطح ۳۰ میلیارد دلار قلمداد می‌کنند. اردوغان در سفر چند ماه پیش به ایران گفته بود که آنکارا و تهران قصد دارند روابط تجاری با یکدیگر را از ۱۳/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ به ۳۰ میلیارد دلار در سال آینده افزایش دهند. همچنین، ممکن است در جریان این سفر شاهد چانه‌زنی‌هایی در مورد قیمت گاز صادراتی ایران به ترکیه از سوی مقامات ترک باشیم، چرا که این کشور از خریداران عمده گاز کشورمان محسوب می‌شود. از سوی دیگر مقامات ایرانی نیز ترکیه را کرایدور مناسبی برای انتقال گاز ایران به کشورهای اروپایی می‌دانند و احتمالاً در جریان این سفر مذاکرات جدی در این ارتباط انجام خواهد شد. چانه‌زنی درباره قیمت گاز صادراتی ایران به ترکیه اهمیت این سفر را افزایش می‌دهد. بنابراین، در شرایطی که ایران درگیر تحریم‌های تحمیلی از جانب غرب است، گسترش مناسبات اقتصادی به‌ویژه با همسایگان، بخش مهمی از دیپلماسی اقتصادی کشور را رقم می‌زند. در این راستا ترکیه می‌تواند نقش محوری را به‌عنوان شریک اقتصادی برای ایران ایفا نماید.

اهمیت سفر آقای روحانی منحصر به موضوعات اقتصادی نیست، زیرا دو کشور دغدغه‌های سیاسی و راهبردی دارند که از ادراکات مشترک آنها نیز بعضاً تبعیت می‌کند. شرکت رئیس‌جمهور کشورمان در اولین نشست شورای عالی همکاری‌های راهبردی ایران و ترکیه که در جریان سفر اردوغان در تهران در اسفندماه سال گذشته تشکیل شد، خود بیانگر ابعاد سیاسی و راهبردی این دیدارهاست. در واقع، این سفر همزمان با موفقیت‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه افزایش وزن راهبردهای منطقه‌ای تهران، فرصت مناسبی برای ترمیم شکاف‌ها و زدودن غبار اختلافات فی‌مابین و آغاز فصل جدیدی از روابط میان ترکیه و ایران است، چراکه این دو کشور همسایه همواره از مهمترین بازیگران منطقه خاورمیانه بوده‌اند. این درحالی است که ترکیه نیز طی یک سال گذشته تا حدودی به بازنگری در سیاست خارجی خود روی آورده و بدین ترتیب درصدد است تا از شدت اختلافات خود با همسایگان به‌ویژه ایران بکاهد. از دلایل اصلی این بازنگری، شکست سیاست این

کشور در سوریه بوده و در این میان امضای توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای گروه ۵+۱ نیز نقشی تسریع‌کننده در این زمینه داشته است. بنابراین، شروع رفت‌وآمدهای دیپلماتیک در عالی‌ترین سطوح اجرایی دو کشور در مدیریت مناسبات دوجانبه اهمیت وافری دارد.

۲-۱. ابعاد مهم سفر در مسائل منطقه‌ای

تأثیر مسائل منطقه‌ای در روابط دو کشور ایران و ترکیه را نباید نادیده گرفت؛ مسئله عراق و اقلیم کردستان عراق، تحولات کشورهای عربی از جمله مصر و بحران سوریه و چالش‌های مربوط به این موضوعات، از عوامل مهم تأثیرگذار بر روابط دو کشور است که بر اهمیت سفر آقای روحانی از حیث مدیریت امور منطقه‌ای می‌افزاید. ترکیه تحت قدرت اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه و متعاقب تحولات جهان عرب سیاست چندمنطقه‌گرایی را جایگزین سیاست غرب‌محور کرد. در این راستا نیز از سیاست «به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» آغاز کرد و در نهایت به مداخله در تحولات داخلی کشورها و درگیری خارج از توان در امور منطقه‌ای روی آورد. تحولات مصر، عراق و در نهایت سوریه به‌روشنی نشان داد که نقش‌آفرینی ترکیه محدوده‌ای دارد که باید لحاظ شود. بنابراین، ترکیه ناگزیر از تغییر سیاست منطقه‌ای خود است. در همین راستا نزدیکی بیشتر با همسایگان به‌ویژه بازیگر قدرتمندی نظیر ایران در دستور کار مقامات آنکارا قرار گرفته است. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های منطقه به‌ویژه در شرایطی که مشغول چانه‌زنی دیپلماتیک با غرب می‌باشد، گسترش مناسبات با همسایگان صاحب نقش و نفوذ را در اولویت سیاست‌های منطقه‌ای خود قرار داده است. بنابراین، به نظر می‌رسد مسائل منطقه‌ای و بحث‌های احتمالی پیرامون آنها از مهمترین وجوه مهم سفر روحانی به آنکارا باشد. بر همین اساس، پیش‌بینی می‌شود تحولات سوریه نیز از جدی‌ترین مباحثی خواهد بود که در جریان این سفر بین مقامات دو کشور مورد گفتگو قرار خواهد گرفت. با برگزاری انتخابات در سوریه و تعیین تکلیف سیاسی این کشور، به نظر می‌رسد مقامات آنکارا نیز به اتخاذ سیاست اصولی‌تر و سازنده‌تر در این حوزه می‌اندیشند. در چنین شرایطی، دیدارهای مقامات ترکیه و ایران در حالی صورت می‌گیرد که زمان نیل به نقطه‌ای مشترک برای همکاری در مورد سوریه و همچنین سایر موضوعات منطقه‌ای فرا رسیده است.

۳-۱. اهمیت بین‌المللی سفر

سیاست دیرینه آمریکا در راستای منزوی‌سازی منطقه‌ای ایران با این قبیل تحرکات دیپلماتیک به محاق خواهد رفت. گسترش روابط با کشورهای منطقه به ویژه همسایگان صاحب نقش و نفوذ مانند ترکیه بخشی از اهداف سیاست انزوای ایران را خنثی می‌سازد. در واقع، بهینه‌سازی روابط با آنکارا جزئی از سیاست کلان جمهوری اسلامی در راستای تعامل سازنده و متوازن‌سازی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی است تا از شدت فشارهای غرب بکاهد.

از سوی دیگر، نزدیکی تهران - آنکارا بیش از هر چیز به محدودسازی استراتژیک رژیم صهیونیستی منجر خواهد شد. چراکه به شکل سنتی صهیونیست‌ها برای ایجاد توازن در برابر اعراب به دنبال ائتلاف با بازیگران پیرامونی غیرعرب منطقه بوده‌اند. متعاقب وقوع انقلاب اسلامی این نقش محوری را ترکیه برای رژیم اسرائیل ایفا کرد. بر این اساس، همگرایی بیشتر تهران و آنکارا بیش از هر چیز بر موقعیت متزلزل رژیم صهیونیستی تأثیر منفی خواهد گذاشت.

۲. پیامدها

این سفر که در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری ترکیه انجام می‌شود فرصت مناسبی برای تعمیق روابط دو کشور حوزه‌های مختلف سیاسی، راهبردی و اقتصادی است.

۱-۲. ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی

در برقراری و گسترش مناسبات اقتصادی میان کشورها وجه تکمیل‌گری اقتصادی و تقارن اقتصادی عاملی مهم محسوب می‌شود. در شرایطی که ایران و ترکیه به‌طور نسبی حائز چنین شرایطی می‌باشند، اراده دوطرف که در دیدوبازدیدهای دیپلماتیک تجلی یافته است، نقش مهمی در ارتقای سطح همکاری‌های اقتصادی خواهد داشت. از محورهای مهم این دیدارها نیز موضوعات اقتصادی مانند سطح تجارت دوجانبه و همکاری‌ها در حوزه انرژی است. ضمن اینکه ترکیب هیئت همراه رئیس‌جمهور نیز به‌خوبی گویای نیات این سفر است. در کنار این لوازم، ترکیه دارای ظرفیت‌های اقتصادی است که بی‌شک برای ایران جذاب می‌باشد، درحالی که ایران همچنان در معرض تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد. تنوع‌بخشی به جهت‌گیری‌های اقتصادی از مهمترین ابعاد دیپلماسی اقتصادی به‌شمار می‌آید. ترکیه به‌واسطه برخورداری از ظرفیت‌های اقتصادی و نیز بهره‌مندی از موقعیت ژئوپلیتیک که محور مهم ارتباطی ایران با اروپاست، می‌تواند نقش مهمی در توجیه روابط دوجانبه و همچنین در روابط اقتصادی و تجاری ایران با کشورهای اروپایی داشته باشد. چانه‌زنی در زمینه انتقال گاز ایران به اروپا از خاک ترکیه از دستاوردهای مهم این سفر خواهد بود. همچنین ظرفیت‌ها و توانمندی‌های اقتصادی ایران به‌ویژه در زمینه منابع انرژی، از جاذبه بالایی برای ترکیه برخوردار است. بنابراین با توجه به ظرفیت‌های مکمل متقابل، گسترش مناسبات اقتصادی تهران - آنکارا دور از انتظار نیست. ایران در حدود یک پنجم منابع گاز مورد نیاز ترکیه را تأمین می‌کند و با توجه به استراتژی آنکارا در کاهش وابستگی به منابع انحصاری گاز روسیه، ایران مهمترین گزینه برای تأمین نیازهای فزاینده انرژی ترکیه محسوب می‌شود بدین ترتیب، اتخاذ تصمیمات مقتضی برای تنظیم روابط همکاری‌جویانه در حوزه انرژی و تسری آن به سایر حوزه‌ها میان این دو کشور ضرورتی انکارناپذیر است.

۲-۲. گسترش روابط سیاسی و راهبردی

ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور مهم تأثیرگذار در امور منطقه همواره در زمره بازیگران تأثیرگذار پیرامونی تلقی شده‌اند. طی چند سال گذشته با آغاز تحولات جهان عرب به‌ویژه بحران سوریه و موضع‌گیری‌های متفاوت دو کشور روابط آنها رو به سردی گرایید. اشتباه استراتژیک ترکیه در حمایت از تروریست‌هایی که بر ضد دولت سوریه می‌جنگیدند عامل اصلی این سردی روابط بود. اما با تغییر مسیر تحولات در سوریه و سایر کشورهای درگیر بحران داخلی مانند مصر، ترکیه ناگزیر از بازنگری در سیاست منطقه‌ای خود شد. در رأس کشورهایی که هدف این بازنگری به‌شمار می‌آیند، ایران قرار دارد. ترکیه در دوره‌های مختلف نشان داده که می‌تواند به بازیگری اثرگذار تبدیل شود که در عین حال تأمین‌کننده دیدگاه‌ها و منافع جمهوری اسلامی نیز باشد. واگرایی محور آنکارا - تل‌آویو از جمله این موارد است که در عین ترمیم یافتن آن در یک سال گذشته، اما هیچ‌گاه این محور به جایگاه قبلی خود بازنگشت. در پرتوی این تحولات، به‌نظر می‌رسد دو طرف اراده خود را به گسترش مناسبات سیاسی معطوف داشته‌اند، آن هم در شرایطی که ترکیه ناگزیر از ایجاد تغییراتی در سیاست خارجی خود شده است. فارغ از ضریب اجرای راهبردهای همکاری‌جویانه سیاسی میان دو طرف، پیام مهم مواضع اعلامی رهبران تهران و آنکارا، خود بیانگر اراده سیاسی در راستای حل مشکلات به‌جای مانده از گذشته است که بی‌شک مستلزم صرف زمان نیز خواهد بود. از آنجا که شدت و ضعف و اهمیت موضوعات مطروحه فی‌مابین یکسان نیست، طبقه‌بندی آنها از جمله پیامدهای این دیدارهای دیپلماتیک خواهد بود. به این معنا که روابط تهران و آنکارا در سایه چنین تحولاتی به‌معنای حل تمامی مسائل فی‌مابین و مخصوصاً به‌معنای برطرف شدن کامل اختلاف‌نظر طرفین در قبال مسائل منطقه‌ای مانند تحولات عراق، مصر و یا سوریه نیست. علی‌رغم مسائل موجود و اختلاف‌نظر طرفین، توسعه روابط دوطرفه بیشتر به‌معنای طبقه‌بندی مسائل پیش روی آنهاست. طبقه‌بندی روابط سیاسی - راهبردی در پرتو تقسیم‌بندی حوزه‌های همکاری سبب از میان برداشتن نقاط اختلاف‌برانگیز شده و زمینه‌های مشترک و مستعد همکاری بین دو طرف را سامان خواهد بخشید که به مدیریت روابط دوجانبه در تمامی حوزه‌ها منجر می‌شود. از دستاوردهای مهم تقسیم‌بندی و مدیریت حوزه‌های مختلف همکاری آن است که اختلاف در یک حوزه سبب بر هم خوردن روابط در سایر زمینه‌ها نیز نخواهد شد.

۳. تجدید موازنه منطقه‌ای

ایران همواره از بازیگران اصلی سیستم موازنه منطقه‌ای است که با تحول سیستم و جابجایی بازیگران آن، جایگاه خود را حفظ کرده است. در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از تحولات خاورمیانه، ترکیه نیز به رقابت با بازیگران سنتی موازنه قوا پرداخته تا موقعیتی احراز کند که نه فقط بازیگر منطقه‌ای که قدرت منطقه‌ای قلمداد شود. بر همین اساس است که بسیاری از تحلیل‌گران از سیستم متحول موازنه قوا با نقش‌آفرینی بازیگران جدید مانند ترکیه سخن گفته‌اند. گسترش مناسبات سیاسی تهران و آنکارا به تجدید توازن قوای منطقه‌ای منجر خواهد شد، زیرا از یکسو از توان رقابت‌گری عربستان سعودی در مقابل ایران خواهد کاست و از سوی دیگر، بر توان رقابت‌گری ترکیه و ایران به‌طور مشترک در برابر سایر بازیگران مدعی خواهد افزود. سوریه به‌عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های رقابت‌گری و موازنه‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی و روند تحولات آن در نتیجه انتخابات اخیر به‌روشنی بر جایگاه و اثرگذاری ایران دلالت دارد. در توضیح مطلب باید افزود که موضوع هسته‌ای ایران بر پیچیدگی مسئله موازنه‌سازی منطقه‌ای می‌افزاید، اما در صورت وجود اراده مثبت بازیگران منطقه‌ای به نتیجه مطلوب منتهی خواهد شد. در پرتو این محاسبات است که ترکیه نیز به این نتیجه رسیده که توازن منطقه‌ای بدون ایران نه ممکن و نه به‌نفع آنکارا خواهد بود. بر اساس این، دستاورد مهم دیگر این سفر، نیل به توافق ضمنی جهت استقرار نظم موازنه‌گرایی جدید است.

نتیجه‌گیری

ایران و ترکیه از جمله بازیگران توانمند منطقه می‌باشند که روابط پرفرازونشیبی را طی کرده‌اند. همانند سایر الگوهای روابط خارجی، این دو کشور نیز در معرض انواع عوامل همگرا و واگرا قرار دارند که در دوره‌های مختلف دسته‌ای از آنها بر سایرین غلبه یافته‌اند. در شرایط موجود که رهبران دو طرف اراده خود را برای همکاری و نزدیکی بیشتر در حوزه‌های مختلف با انجام دیدارهای رسمی به نمایش گذاشته‌اند، عوامل همگرا بیش از عوامل واگرا مؤثر واقع شده‌اند. در پرتو این شرایط، سفر رئیس‌جمهور کشورمان به ترکیه از اهمیت فراوان سیاسی، اقتصادی و راهبردی در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است. در همین راستا، مهمترین دستاوردهای این سفر را می‌توان در گسترش هرچه بیشتر مناسبات اقتصادی، تجاری دوجانبه، تعمیق روابط سیاسی، راهبردی به‌ویژه در مدیریت امور منطقه‌ای و تجدید موازنه قوای منطقه‌ای به‌نظاره نشست. به‌طور کلی این سفر از حیث توسعه روابط ترکیه و ایران و در پی بروز سردی روابط در سال‌های اخیر در پی دلایل متعدد پیچیده، نقطه عطف تازه‌ای قلمداد می‌شود.

